

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

مجموعه اوضاع اجتماعی سیاسی کشور در دومین دهه سده ۲۱ ستراتژی‌های غیرواقعبینانه و شکست خورده بازدارندگی و صیانت از امنیت ملی کشور

نوع مقابله با تروریسم و بنیادگرایی مذهبی
آیا کشور عزیزما با چاره داده شده است؟
چگونگی رهایی از تنگناهای موجود
تهدیدات پایدار کشورما

نقش شهروند برای بهبود مستمر عملکرد نهادهای دموکراتیک، بنیادین بوده و سهم مهمی در بقا و ادامه دموکراسی دارد. طی سال‌های اخیر، شاهد نمونه‌های متعدد از جنبش‌هایی در همه قاره‌ها بوده ایم. در اکثر موارد، شهروندان علیه دموکراسی اعتراض نمیکنند، بلکه خواستار دموکراسی بیشتر و کیفیت بالاتری از دموکراسی هستند. چارچوب ارزیابی وضعیت دموکراسی محلی بگونه خاصی، شهروندان را قادر میسازد که بگونه دوره‌ای، سلامت دموکراسی محلی‌شان را با در نظر داشتن تشویق موفقیتها زیر نظر داشته و در عین حال، سهمی در اصلاح نقایص شناسایی شده دموکراتیک داشته باشند. این ارزیابی‌ها بازتاب صدای شهروندان است و می‌تواند سهم عظیمی در تقویت پاسخگویی دولت‌های محلی و ملی به نیازها و آرزوهای شهروندان داشته باشد.

در نیشته حاضر، بگونه مجموعی، حقایق و فاکت‌هایی در مورد وضعیت کنونی سیاسی و اقتصادی، معضلات و مشکلات ناشی از تروریسم، تجارت موادمخدر، موضوعات و مسایل مربوط بامنیت ملی کشور، قوت‌های مسلح، بیکاری و همچنان معاونت‌ها و کمک‌های جامعه بین‌المللی بمنظور حل و فصل معضلات یادشده، بویژه نحوه موضعگیری در مسایل و قضایای بین‌المللی و حل و فصل مسایل مربوط به روابط سیاسی با سایر کشورهای جهان و نحوه ارتباط با آنها، بویژه در موارد مربوط به منافع ملی کشور، از اهمیت فوق‌العاده مهمی برخوردار می‌باشد. قابل یاددانهایی می‌باشد که قبل از سال ۱۳۸۰، در محدوده کشور عزیزما، درگیری‌های مسلحانه همچنان ادامه داشت. "طالب"‌ها بر بیشترین بخشهای اراضی کشور تسلط داشتند. در چنین وضعیتی، گروه‌بندی‌های تروریستی و درگام نخست، "القاعده" بایجاد و برپایی اردوگاهایی بمنظور تربیه و آموزش جنگجویان در اراضی کشورما نیز مبادرت ورزیدند.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، ایالات متحده در صدد طرح و اجرای عملیات نظامی "آزادی پایدار" به منظور قلع و قمع تروریست‌ها و بهدفع از میان برداشتن اردوگاهها و محلات تربیه و آموزش جنگجویان در اراضی کشورما شده و شاهد هشدارهایی در زمینه سقوط و سرنگونی حاکمیت "طالب"‌ها در صورت نیستن اردوگاههای آموزشی تروریست‌ها در کشور بودیم. در پایان سال یادشده، در نتیجه اجرای عملیات "آزادی پایدار"، "طالب"‌ها از قدرت ساقط گردیده و حکومت برهبری حامد کرزی عرض وجود نمود. مطابق قانون اساسی سال ۱۳۸۳، افغانستان بنام جمهوری اسلامی مسمأ گردید. در شرایط و وضعیت کنونی، عدم

وابستگی، دفاع از استقلال ملی و تمامیت ارضی، بمثابه بنیاد سیاست حاکمیت کنونی کشور پذیرفته شده است. در عرصه مناسبات و روابط خارجی، افغانستان بمثابه کشور بیطرف، همچنان بحیات سیاسی خویش ادامه خواهد داد. پس از سرنگونی حاکمیت "طالب" ها، تلاش های جامعه بین المللی، بهدف احیای اقتصاد کشور ما آغاز گردید. به منظور دستیابی فوری به کمک ها و معاونت های یادشده، سازمان ملل و همچنان در زمینه، دسته بندی ها و سازمان های غیردولتی نیز سهم فعال گرفتند. در اینباره، قبل از همه به لطف موقعیت جغرافیایی افغانستان، بسیاری از کشورهای جهان در زمینه ایجاد و تقویت زیرساخت های کشور ما سهم گرفته و اما قبل از همه، بایجاد شبکه ای از تأسیساتی که از رهگذر رشد و ارتقای اقتصادی کشور ما مؤثر و مفید می باشد، باید اقدام عملی صورت می گرفت. در زمینه یادشده نمیتوان از عملکردهای انجام شده چشم پوشی بعمل آورد، اما بسنده نمی باشد. چنانچه تذکر بعمل آمد، هم کشورهای منطقه و هم سایر کشورهای جهان میتوانند از موقعیت جغرافیایی کشور ما بمثابه نقطه وصل آسیای میانه و جنوب آسیا، بگونه شایانی استفاده بعمل آورند، همچنان موقعیت ژئوپولیتیکی کشور ما بمثابه معبر انتقالات ترانسپورتی و تبادل اطلاعات نیز از اهمیت فوق العاده مهمی برخوردار می باشد. در وضعیت کنونی کشور ما، ارائه خدمات بشردوستانه و ایجاد تسهیلات زندگی به شهروندان کشور، باید در الویت های کاری دولت قرار گیرد. در اینمورد، بیش از همه، تربیه کادر ملی بمنظور احیای اقتصاد کشور و تداوم رشد و انکشاف جامعه افغانی، از ضرورت های جدی کشور محسوب می گردد. در این عرصه از جانب جامعه جهانی باید معاونت های وسیع اقتصادی بمنظور سرپانگه داشتن اقتصاد کشور و احیای مجدد تأسیسات قبلی ایجاد شده در افغانستان جنبه عملی اختیار نماید. اما سرمایه گذاری بمنظور احیای اقتصاد کشور ما، ایجاد تسهیلات انتقالاتی، ترمیم و اصلاح شبکه های مخابراتی، استخراج و بهره برداری از معادن و ثروت های طبیعی موجود در کشور، اصلاح سیستم بانکی و... و اقدامات عملی و مؤثر در موارد یادشده، زمینه ها و امکانات حل و فصل بسیاری از معضلات موجود در کشور را نیز مساعد و مهیا خواهد نمود.

به یقین که اگر ارائه معاونت ها بگونه مؤثری صورت عملی بخود اختیار نموده و اگر اقدامات واقع سازنده جامعه جهانی در راستای مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر انجام گیرد، شاهد نتایج ملموس و قابل ذکری خواهیم بود. متأسفانه در شرایط کنونی، مافیای مواد مخدر بخش هایی از جامعه بگونه گسترده ای نفوذ نموده که بشکلی از اشکال سبب ایجاد نگرانیهای جامعه بین المللی نیز گردیده است. زراعت، تولید و تجارت غیرقانونی مواد مخدر در کشور ما سبب ساز تضعیف امنیت ملی کشور شده و طبعاً در اینمورد، کشورهای همجوار و حتی کشورهای اروپایی و ایالات متحده نیز مورد تهدید جدی قرار می گیرند.

گزارش هایی نیز به نشر رسیده که بکارگیری و استفاده گسترده از مواد مخدر در کشور ما، بویژه در ولایت های فراه، غور، هرات، نیمروز و بادغیس نیز روز تا روز وسعت چشمگیری حاصل نموده که نگران کننده بوده و تأسف بار می باشد.

ادغام شبکه های تروریستی با گروه های قاچاق مواد مخدر، در نوع خود، مشکل دیگری را بوجود می آورد. در اینمورد میتوان یادآور گردید که تجارت مواد مخدر توجیه ایدئولوژیک گردیده و از آن بمثابه جرم انگاری سیاست، استفاده ابزاری بعمل می آورند. چنانچه این مسأله بگونه مکرر خاطر نشان گردیده که تشنج و ناآرامی در سرزمین کشور ما، بگونه مستقیم و غیرمستقیمی به کشورهای همجوار افغانستان و بویژه به کشورهای آسیای مرکزی سرایت خواهد نمود. تقویت روزافزون جرم و جنایت، نطفه بندی و شکل گیری ساختارهای بنیادگرا، بگونه مستقیمی بر نهادهای قانونی دولتی اثرگذار واقع گردیده و بنحوی از انحاء، تداوم تشنج و عدم ثبات سیاسی را در منطقه بدنبال خواهد داشت.

بارتباط مسأله فوق، انجام اقدامات و عملکردهای جامعه بین المللی بمنظور نابودی و از میان برداشتن گروه بندی های تروریستی بویژه در مرزهای افغانستان - پاکستان را نباید فراموش نمود. البته با در نظر داشت واقعیت های موجود در اراضی کشور، میتوان چنین اظهار نظر نمود که در کشور ما ثبات نسبی وجود دارد، اما امنیت برای شهروندان کشور وجود ندارد، که از نگرانی های جدی محسوب گردیده و این در نوع خود، از معضلات قابل ذکر در کشور پنداشته می شود. هدف و غایه عمده و اساسی در کشور که عبارت از مستقل بودن آن می باشد، تا هنوز که هنوز است، دستیاب نگردیده است. در امر مبارزه علیه تروریسم، پیشرفت قابل توجهی بنظر نرسیده و رضایت خاطر افغانها را ببار نیآورد.

قابل یاددہانی پنداشته می شود که معضل تروریسم، خصوصیت فرأ ملی داشته و ثبات و امنیت سراسر جهان را

مورد تهدید قرار داده است. با وجود از میان برداشتن و کشتن اسامه بن لادن، جنگ، نبرد و انجام اقدامات تروریستی جنگجویان نه تنها قطع نگردیده بلکه بیش از پیش و بگونه قابل ملاحظه ای تشدید گردیده و ساحات وسیعتر و گسترده تری را فراگرفت.

بنیادگرهای مذهبی، جنبش های جدایی طلبانه، تروریسم بین المللی، مرزها بویژه مرزهای کشورهای آسیای مر کزی را درنوردیده و کلیتی از آسیب های جبران ناپذیری را در منطقه به میراث خواهد گذاشت. با ماهیت پیچیده و چند جانبه این پدیده، ریشه کن نمودن اساس و بنیاد تروریسم توسط یک کشور منفرد، اصلن غیرممکن و غیر عملی بنظر رسیده که دستیابی به نتایج دلخواه، همکاری وسیع البنیاد و گسترده ای را درمورد، در دستور روز قرار می دهد.

با ارزیابی مجموعه عملکردهای جمهوری اسلامی افغانستان، ایالات متحده و شرکای ناتو طی مدت زمانی که دربرگیرنده سال ۲۰۰۱ تاکنون می گردد، باین نتیجه گیری نایل خواهیم آمد که بمشکل بتوان از پیروزی و مؤ فقیتهای چشمگیری در امر مبارزه با تروریسم و تجارت مواد مخدر، سخن گفت. درحقیقت امر، همه مسایل و سایر موارد بگونه برعکس آن سیر نمود. بدینترتیب، درمجموعه اقدامات و حملات خرابکارانه و در تعداد کمی بنیادگرهای شبکه های تروریستی موجود، در توانایی های انجام اقدامات تروریستی و ایجاد زمینه های هرأس با حفظ موجو دیت و حضور دوده از نظامیان خارجی در اراضی کشور ما، نه تنها کاهش بعمل نیامد، بلکه بیش از پیش افزایش حاصل نموده و ساحه عملکردهای شان را نیز وسعت بخشیدند. قوت های جنگی و نظامی خارجی در عوض مما نعت و جلوگیری از کشت، زرع و قاچاق مواد مخدر، با عدم پیگیری و نبود اراده بمنظور اقدامات عملی در زمینه، وضعیت را بگونه ای بمنظور قاچاق مواد مخدر مساعد نموده تا با استفاده از مبالغ پولی و وجوه مالی بدست آمده از آن، مخالفان مسلح قادر به تداوم و ادامه درگیری های مسلحانه در کشور گردند. در چنین وضعیتی بمشکل بتوان در کوتاه مدت از بهبود وضعیت سیاسی - اجتماعی کشور، سخنی بمیان آورد.

نباید فراموش خاطر ما گردد که از جمله مسایل قابل بحث، یکی هم معضل تأمین امنیت با تمامی عرض و طولش در کشور مطرح بحث می باشد. پس از سرنوشتی "طالب"ها در آغاز سده حاضر تاکنون، تأمین امنیت سراسری و تضمین آرامش در کشور، بمثابه یکی از جمله آرمان های توده های میلیونی کشور ما محسوب می گردد. نبود قابلیت در بر آورده نمودن خواست و آرمان شهروندان کشور، سبب گردید تا مخالفان مسلح روزتا روز به وسعت ساحه عملکرد و افزایش تعداد حملات تروریستی افزوده و امیدواری و انتظارات شهروندان کشور را به یأس مبدل نمایند. نمیتوان از ایجاد تغییرات قابل توجه و درشت در زندگی شهروندان کشور سخن گفت. در مورد مسایل امنیتی باید متذکر گردید که در زمینه معضل تأمین امنیت در کشور، سازمان ملل، شورای همکاری های شانگهای، سازمان های منطقه ای، ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان های دیگر نیز بنحوی در قضایای یاد شده در کشور ما درگیری باشند.

علاوه بر آن، در شرایط و وضعیت کنونی، بر بسیاری از مناطق و بر بخش هایی از اراضی کشور ما، این مخالفان مسلح اند که تسلط داشته و تقریباً در سایر ولایات های کشور نیز حاکمیت های سایه را تشکیل نموده اند. بنابراین، ایالات متحده در صدد حل و فصل قضایای موجود از طریق گفتگو و مذاکره با مخالفان مسلح شده و سعی ورزیدند تا قبل از همه با "طالب"ها به توافقاتی نایل گردیده، مذاکرات میان افغانی آغاز گردیده و به درگیری ها در کشور نقطه پایان بگذارند. بگفته بسیاری از سیاستگذاران خارجی، درمجموعه "طالب"ها عده ای موافق به مصالحه و جور آمد با خارجی ها بوده و چنین امری توسط آنها ناگزیر پنداشته می شود. اما بخش بشدت محافظه کار آنها مخالف هر نوع مصالحه و مذاکره با جامعه بین المللی بوده و بر طبل تداوم جنگ و ادامه درگیری های مسلحانه می کوبند. تحلیلگرا ن نظامی امریکایی معتقدند که "طالب"ها از قوماندان های محلی خیلی متفاوت هم نمی باشند، بدینترتیب اداره و اشنگتن، در نهایت امر، این تفاوت را میان رهبران تحریک "طالب"ها که مدعی دفاع از منافع شهروندان کشور بوده و جنگجویان "القاعده" که بمنظور دستیابی با اهداف جهانی "جهاد" میاندیشند، بوضاحت کامل مشاهده می نمایند. امر یکایی ها در صدد برنامه ریزی بمنظور تداوم موجودیت نظامیان آن کشور در پایگاههای موجود در کشور ما بوده و چندان بدشان هم نمی آید تا پایگاههای نظامی موجود آن کشور در غرب و شمال افغانستان، بویژه بمنظور تحت نظر قرار دادن چین و ایران، همچنان باقی مانده و اوضاع را بمفهوم وسیع کلمه، تحت نظر و مراقبت قرار دهند.

معضل دیگر، از جمله یکی هم موجودیت بیکاری گسترده در کشور ما میباشد. زراعت، تولید و قاچاق مواد مخدر، بمفهوم وسیع کلمه، افزون بر مشکلات موجود گردیده و حتا بخش قابل اندیشه معضل کشور ما را تشکیل می دهد.

وزارت اقتصاد کشور، بیکاری در کشور را از جمله یکی از معضلات عمده در مسیر تأمین امنیت در جمهوری اسلا می افغانستان می پندارد. همچنان، وزارت یادشده از تدوین و اجرای برنامه هایی بمنظور کاهش بیکاری خبر داد. مطابق گزارش های بنشر رسیده توسط سازمان ملل، آنهم بر بنیاد مصاحبه های انجام پذیرفته با شهروندان ۱۴ ولایت کشور، حقوق بشر در کشور ما، در مجموع در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. همچنان طبق مطالعات انجام شده، افغانستان، متأسفانه بمتابه یکی از جمله فقیرترین کشورهای جهان محسوب گردیده که باشندهای آن در فقر کامل بسر برده و بمنظور بقاً تقلأ می نمایند.

در این مقطع، پرسشی ذهن همه را بخود مشغول می نماید که آیا واقع موجودیت خطر تروریزم بگونه ای بود که منافع و امنیت ایالات متحده و شرکایش را مورد تهدید قرار داده و بمنظور رفع این تهدید(!)، آیا ضرورت پیاده نمودن نظامیان غربی و درگام نخست، هجوم تفنگداران امریکایی باراضی کشور ما در دستور روز قرار گرفت؟ در هیچ بُره ای از تاریخ، امنیت و صلح جهانی بگونه ای که اکنون تهدید می گردد، در معرض خطر قرار نداشت. اما تا کنون هم، محققان و دست اندرکاران مسایل مربوط، قادر نگردیده و یا عمدن و قصدن از سازماندهندها و اجراً کننده های حملات و انفجارات درواشنگتن و نیویارک، سخن نمی گویند. بیایید تا باذکر این مسأله، گوشه ای از واقعیت آرزومندی ایالات متحده مبتنی بر ضرورت استقرار و تداوم موجودیت پایگاههای نظامی آن کشور در آسیای مرکزی را برملاً نماییم که حادثه ۱۱ سپتامبر، از جمله بهانه خوبی در مورد یادشده محسوب گردیده و بمنظور توجیه تهاجم و عملکردهای نظامی امریکایی در کشور ما، استفاده ابزاری بعمل آوردند.

در شرایط و وضعیت تأثیرگذاری خارجی ها بر مجموعه سیاست های داخلی و خارجی کشور ما، شاهد عملکردهای گونه گونه و مختلفی توسط بازیکنان بین المللی و منطقوی می باشیم که هر کدام بگونه طبیعی در صدد دستیابی به منافع و امتیازاتی در مجموعه قضایای کشور ما بوده و بمنظور حفظ ساحه نفوذ خویش، در صدد هر نوع تعامل و معامله ای با مخالفان مسلح می باشند.

افغانستان معاصر برای ایالات متحده جذابیت منحصر بفردی داشته و بمتابه سرزمین و اراضی ستراتیژیک محسوب می گردد. با استفاده و بکارگیری از پایگاههای نظامی موجود، برای ایالات متحده امکان و فرصت تحت نظارت قرار دادن کشور ما بمفهوم محدود کلمه و نظارت و بررسی اوضاع سیاسی - نظامی در منطقه بمفهوم وسیع کلمه میسر خواهد گردید.

بدین ترتیب، باوجود عقب ماندگی و فقر گسترده در کشور، افغانستان از نقش و اهمیت قابل توجهی در مجموعه برنامه های نظامی - ستراتیژیک و اقتصادی در مناطق آسیای مرکزی، جنوب شرقی آسیا، آسیای میانه و شرق نزدیک برخوردار می باشد.

با نگاهی به نقشه جغرافیایی این منطقه می توان از هم مرز بودن کشور ما با دو قدرت دارنده سلاح هستوی (هند و پاکستان) که کشور اخیر الذکر بگونه مداومی بمتابه متحد و شریک ایالات متحده محسوب می گردد، سخن گفت. در این مورد، از نزدیکی مستقیم افغانستان با کشور دیگر دارنده سلاح هستوی (چین) نیز باید یاد آور شد. از جانب دیگر، در غرب افغانستان، کشور ایران موقعیت داشته که بگونه تب آلود تلاش هایی را بمنظور دستیابی به تکنالوژی ساخت سلاح هستوی بکار می بندد.

همچنان نقش مهم و قابل توجه به کشور ما در امر رشد و انکشاف مناسبات اقتصادی میان شرق و غرب و بمتابه نقطه تقاطع و عبور از مسیرهای هستوی باصطلاح براه ابریشم نیز معطوف می گردد.

در فرجام بایست یاد آور شد که مطابق اظهارات نظامیان عالی رتبه ایالات متحده، حضور آن کشور در قلمرو مربوط به افغانستان، برای مدت زمان نامعلومی تداوم حاصل خواهد نمود.

جمهوری اسلامی افغانستان، از رهگذر منافع ملی، مورد علاقه بسیاری از کشورهای بوده و بویژه توجه و علاقمندی های فراوان و گسترده دول کشورهای همجوار ما را ببار آورده است.

ضرورت آن احساس می گردد تا حاکمیت سیاسی کشور ما با در نظر داشت موقعیت جغرافیایی کشور ما و بویژه با موجودیت قوت های اتمی منطقه و با در نظر داشت ضرورت ها و ایجابات منطقوی و جهانی، چنان سیاستی را دنبال نماید تا با حفظ احترام متقابل به استقلال سیاسی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی سایر کشورهای، بویژه دول کشورهای منطقه، در تأمین امنیت و رفاه همگانی در سراسر قلمرو و اراضی متعلق با افغانستان مؤفق گردیده و در این مورد چنانچه شایسته است بگونه بایسته ای عملکردهایش را تنظیم و اجراً نماید.

یکشنبه ۱۲ ماه اسد سال ۱۳۹۹ خورشیدی